

سنجش نگرش کارشناسان و بهره‌برداران مرتعی در زمینه سرمایه‌های معیشت در شهرستان فریدونشهر

علیرضا اسدی - کارشناسی ارشد گروه مهندسی طبیعت، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
اسماعیل اسدی - دانشیار، گروه مهندسی طبیعت، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
حجت‌اله خدری غریب‌وند* - استادیار، گروه مهندسی طبیعت، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
سینا نبی‌زاده - دانشجوی دکتری گروه مهندسی طبیعت، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

تاریخ دریافت: ۳۰ فروردین ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۰۶ تیر ۱۴۰۱

چکیده

مقدمه: معیشت به‌عنوان محور و مرکز ثقل مدیریت پایدار مراتع به رسمیت شناخته شده است. براین اساس، توجه به معیشت، زیربنای هر طرح و برنامه‌ای برای تحقق مدیریت پایدار مراتع است. دراین راستا، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور برای مقابله با چالش‌ها و مشکلات مدیریت منابع طبیعی و بهبود معیشت بهره‌برداران مرتعی اقدام به تصویب و اجرای پروژه‌های حفاظت، صیانت، توسعه، احیاء و اصلاح کرده است.

هدف پژوهش: تحقیق حاضر با هدف سنجش تأثیر این پروژه‌ها بر معیشت بهره‌برداران صورت گرفته است. از این میان، تأثیر پروژه‌ها بر سرمایه‌های معیشت (طبیعی، انسانی، اجتماعی، مالی و فیزیکی) در شهرستان فریدونشهر مورد بررسی قرار گرفت.

روش‌شناسی تحقیق: این تحقیق از نظر روش شناسی توصیفی-تحلیلی-پیمایشی می‌باشد. در این مطالعه از روش غیراحتمالی و نمونه‌برداری هدفمند از کارشناسان باتجربه سازمان، افراد خبره و آگاهان کلیدی محلی استفاده شد. پرسش‌نامه ساختارمند سرمایه‌های معیشت تدوین شد. داده‌های پرسشنامه به‌صورت کمی و با مقیاس رتبه‌ای و براساس طیف لیکرت گردآوری، وارد اکسل، و سپس با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. روایی پرسش‌نامه از طریق پیل کارشناسان و پایایی پرسش‌نامه از طریق آزمون کرونباخ مورد تأیید قرار گرفتند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: جامعه آماری کارشناسان مطلع اداره کل منابع طبیعی استان اصفهان و شهرستان فریدونشهر و بهره‌برداران مرتعی شهرستان فریدونشهر بودند.

یافته‌ها و بحث: آنالیز تعقیبی کروسکال والیس نشان داد بین معیارهای سرمایه‌های معیشت برای هر دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان اختلاف معنی‌دار وجود دارد. علاوه براین، آنالیز من‌ویتنی نشان داد بین دیدگاه‌های بهره‌برداران و کارشناسان اختلاف معنی‌داری وجود دارد. در این تحقیق، واگرایی و همگرایی دیدگاه‌های گروه‌های هدف بحث شدند.

نتایج: به‌طور کلی سرمایه طبیعی و سرمایه انسانی بالاترین بار اهمیت بین سرمایه‌های معیشت را به خود اختصاص دادند که بیانگر اهمیت ویژه این سرمایه‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آینده برای مدیریت پایدار مراتع می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: مرتع، طرح‌های حفاظت و صیانت، سرمایه‌های معیشت، معیشت پایدار، فریدونشهر.

مقدمه

جوامع محلی کشورهای در حال توسعه، وابستگی زیادی به منابع طبیعی و خدمات ارائه‌شده توسط اکوسیستم‌های طبیعی دارند. منابع طبیعی و فعالیت‌های مرتبط با آن در درآمدزایی جوامع محلی نقش عمده‌ای دارند و بخش جدایی‌ناپذیر معیشت جوامع محلی می‌باشند. سهم منابع طبیعی و محیط‌زیست در تأمین معیشت جوامع محلی را می‌توان بر اساس واحدهای مالی از درآمد کل خانوار به دست آورد. علاوه بر این، میزان کسب درآمد از منابع طبیعی نشان‌دهنده درجه وابستگی خانوارها به منابع طبیعی می‌باشد. منابع طبیعی و فعالیت‌های مرتبط با آن غالباً چهار عملکرد اساسی نیازهای جوامع محلی از جمله تأمین معیشت نیازهای خانوار در طول سال (۱)، پر کردن شکاف فصلی بودن فعالیت‌های درآمدزایی (۲)، امنیت مالی، پشتیبانی خانوار در شرایط شوک و استرس (شکست محصول و یا هزینه‌های روزمره) (۳) و کاهش فقر، تأمین درآمد نقدی خانوار به‌طور منظم و توانایی پس‌انداز پول (۴) را حفظ می‌کنند و یا بهبود می‌دهند (Angelsen and Wunder, 2003).

به‌طور کلی می‌توان بیان داشت وابستگی جوامع محلی از نظر معیشتی به منابع طبیعی بسیار زیاد است. از این رو، درک راهبردهای معیشتی بهره‌برداران و میزان وابستگی به منابع طبیعی و اتخاذ سیاست‌های متناسب می‌تواند گامی در راستای مدیریت پایدار منابع طبیعی و معیشت بهره‌برداران مرتعی باشد. در چند دهه اخیر، بهره‌برداری‌های بی‌رویه و غیراصولی، عدم بهره‌وری مناسب منابع طبیعی از جمله جنگل‌ها و مراتع مشکلات معیشتی و ناپایداری‌هایی زیست محیطی جوامع محلی شده است (Chambers and Conway, 1992). در این راستا، اخیراً تأمین و پایداری معیشت به عنوان یکی از چالش‌های عمده برنامه‌ریزی جوامع انسانی به‌ویژه جوامع محلی وابسته به منابع طبیعی در کشورهای در حال توسعه که قانون تمرکز فقر می‌باشد شناخته شده است (NZAID, 2002).

عامل پیشبرد اهداف توسعه در جوامع محلی شناخت وضعیت معیشت خانوارها و میزان دسترسی آن‌ها به مولفه‌های معیشت است (بریمانی و همکاران، ۱۳۹۵). به عنوان یک تعریف، معیشت به تمام سرمایه (دارایی) های طبیعی، انسانی، اجتماعی، مالی و زیرساختی، قابلیت‌ها و فعالیت‌های لازم برای گذران زندگی اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، معیشت مبتنی بر توانایی‌ها، دارایی‌ها و فعالیت‌هاست که در نهایت رابطه بین افراد و محیط طبیعی را تعیین می‌کند (Liu, 2020). در تجزیه و تحلیل معیشت، معمولاً در سطح خرد، معیشت یک فرد به تدوین و اجرای سیاست‌های کلان مرتبط می‌شود تا بدین وسیله از طرح‌های موثرتر حفاظت از محیط زیست و برنامه‌های توسعه معیشت حمایت کند (Pour et al, 2018). در این راستا، در اواخر دهه ۱۹۸۰ با هدف فقرزدایی و حفظ منابع طبیعی برای نسل‌های آینده رویکرد معیشت پایدار توسعه یافت (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۵).

از دیدگاه رویکرد معیشت پایدار، معیشت زمانی پایدار است که قابلیت‌ها و دارایی‌ها را در زمان حال و آینده حفظ کند و آن را بهبود بخشد؛ به‌طوری‌که منابع طبیعی پایه حفظ شوند و مانع از بروز شوک‌ها و استرس‌ها شوند و آن‌ها را بتوان مدیریت کرد. معیشت شامل سه مولفه اصلی سرمایه‌های معیشت (۱)، سیاست‌ها، فرایندها و نهادها (۲) و زمینه‌های آسیب‌پذیری (۳) می‌باشد (Khedrigharibvand et al, 2015). این ساختار و ویژگی‌ها در انتخاب شیوه‌های زندگی جوامع محلی و اتخاذ راهبردهای مناسب احتمالی در زمینه منابع طبیعی تأثیر گذار است. در این میان، شناخت وضعیت معیشت خانوارها و میزان دسترسی آن‌ها به سرمایه‌های معیشت به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بسترهای پیشبرد اهداف توسعه در جوامع محلی به رسمیت شناخته شده است (بریمانی و همکاران، ۱۳۹۵).

سرمایه‌های معیشت شامل پنج مؤلفه اصلی سرمایه‌های طبیعی، انسانی، اجتماعی، مالی و فیزیکی است که هسته‌ی مرکزی آن را شکل می‌دهند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۶). تأثیر سرمایه‌ها یا دارایی‌های معیشتی بر راهبردهای معیشت موضوعی است که به طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل معیشت تحت شرایط و زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوت قابل تحلیل است. بنابراین، برای مناطق مختلف و گروه‌های اجتماعی مختلف، تأثیر دارایی‌های معیشتی بر راهبردهای معیشتی متفاوت است. اینکه کدام نوع از دارایی‌های معیشتی می‌تواند چه نوع تأثیری را در انتقال به معیشت دیگر ایجاد کند، موضوعی است که بحث‌های گسترده‌ای میان محققان به خود جلب کرده است (Pour et al, 2018).

در دو دهه گذشته، دیدگاه‌های معیشتی به ابزاری ضروری برای درک فقر، مدیریت منابع طبیعی و مسائل حفاظت از محیط‌زیست تبدیل شده و اندیشه‌ها و عملکردهای توسعه روستایی را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است (Li et al, 2019). دولت‌ها سیاست‌ها و برنامه‌های حفاظت از اکوسیستم‌های مختلف را برای مدیریت و حفاظت از اکوسیستم‌های محلی را در مناطق مختلف اجرا می‌کنند. با این حال، سیاست‌های محلی و توسعه کلان اقتصادی یک منطقه اغلب نمی‌توانند به طور یکسان برای همه ساکنان سودمند باشد و در بسیاری از اقدامات حتی شکاف را در مناطق روستایی افزایش داده است. در راستای تبیین سرمایه‌های معیشت به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی معیشت پایدار و تبیین سطح تفاوت

ها بین بین گروه‌های اجتماعی متفاوت این تحقیق به دنبال ارزیابی و سنجش تاثیر پروژه‌های مصوب سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری بر سرمایه‌های معیشت است.

سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور ایران برای تحقق اهداف حفاظت از منابع طبیعی و تأمین معیشت بهره‌برداران پروژه‌هایی را مصوب کرده و به اجرا درآورده است. بطور کلی هدف از اجرای پروژه‌های منابع طبیعی دستیابی به راهبردهای معیشتی در غالب نظام‌های بهره‌برداری و برنامه‌ریزی مناسب برای استفاده از منابع طبیعی و در نهایت تنوع بخشی به معیشت می‌باشد که به دنبال آن افزایش درآمد جوامع محلی، ایجاد اشتغال، افزایش سطح زندگی و امکانات در روستاها محقق شود که همگی تأثیری مستقیم بر بهبود معیشت و اقتصاد خانوار محلی دارند (ابراهیمی، ۱۳۹۲). بنابراین با هدف درک این پرسش که چگونه می‌توان همزمان حفاظت از محیط زیست و بهبود رفاه انسانی، به ویژه رفاه ذینفعان محلی را به منظور دستیابی به توسعه برد-برد بین حفاظت از محیط زیست و توسعه ارتقا داد، این تحقیق انجام گرفت. هدف از این تحقیق ارزیابی و سنجش تأثیر پروژه‌های منابع طبیعی بر سرمایه‌های معیشت در شهرستان فریدون‌شهر می‌باشد. یافته‌های این تحقیق برای توسعه بهتر طرح‌ها اهمیت دارد و مشوق‌هایی برای اهداف حفاظت و بازایی خدمات اکوسیستم خواهد بود که در نهایت تقویت معیشت جوامع محلی را به دنبال خواهد داشت.

روش پژوهش

این تحقیق از نظر روش شناسی توصیفی-تحلیلی-پیمایشی است. جامعه آماری آن کارشناسان مطلع اداره منابع طبیعی و آبخیزداری استان اصفهان و شهرستان فریدون‌شهر و بهره‌برداران شهرستان فریدون‌شهر بودند. برای انجام این تحقیق در آغاز، فهرستی از پروژه‌های در حال اجرای شهرستان فریدون‌شهر و سامان‌های عرفی آن می‌بایست تهیه شود. به این منظور در ابتدای امر با مراجعه به کارشناسان اداره منابع طبیعی شهرستان فریدون‌شهر فهرستی از طرح‌ها و پروژه‌های اجرا شده تهیه شد. پروژه‌ها شامل پروژه گشت و مراقبت از عرصه‌های ملی، جنگل‌ها، مراتع و پروژه‌های آبخیزداری؛ پروژه تغییر الگوی سوخت‌های فسیلی؛ پروژه کپه کاری بذر کرفس کوهی؛ پروژه غنی‌سازی جنگل با بذر بلوط؛ مدیریت چرا؛ پروژه توسعه جنگل با بذر بادام آمارا و ارژن بودند.

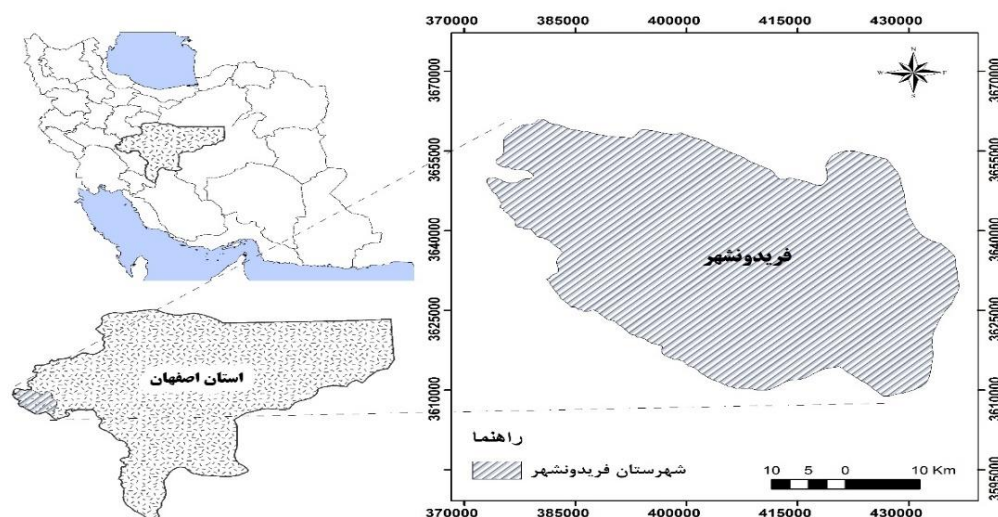
علاوه براین، بهره‌برداران کلیدی و کارشناسان و یا مطلعان کلیدی که دارای شناخت مطلوبی از موضوع، تجربه کار با این پروژه‌ها و حداقل دو سال سابقه کار در بخش‌های اداری داشتند، شناسایی شدند. براین اساس ابتدا کلیه کارشناسان ادارات منابع طبیعی که ویژگی‌های اولیه را داشتند مشخص شدند. در این فرایند ۳۰ نفر از کارشناسانی که از ویژگی‌های تعریف‌شده برخوردار بودند شناسایی گردید. در این راستا، تلاش حداکثری صورت گرفت تا مطلعان کلیدی محلی که از دانش کافی، تجربه دانداری و مرتع‌داری و آگاهی از پروژه‌های مصوب برخوردار بودند نیز شناسایی شوند. هرچند تعداد این گروه بیشتر بود اما در فرایند غربال و انتخاب به مطلعان کلیدی محدود شد که حداکثر همراهی و انگیزه را داشته باشند که این گروه نیز به ۳۰ نفر محدود شدند. در واقع، با توجه به تعداد کارشناسان و همسانی کم و بیش مطلعان کلیدی محلی، ۳۰ نفر در گروه دوم نیز انتخاب شدند. فرایند شناسایی و انتخاب گروه هدف، به نحوی بود افرادی که انتخاب می‌شدند حداکثر همکاری را داشته باشند. روش نمونه برداری غیراحتمالی هدفمند استفاده شد به این معنا که در این روش محقق در راستای اهداف پژوهش افرادی را انتخاب می‌کند که از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشند. درواقع، تعداد افراد انتخاب‌شده در این روش بستگی به تعداد افرادی دارد که دارای ویژگی‌های معین باشند. براساس مطالعات و تحقیقات علمی-پژوهشی و مشورت با محققان، کارشناسان و صاحب‌نظران و بر اساس مؤلفه‌های تحقیق، پرسش‌نامه‌ای ساختارمند طراحی شد. با مراجعه مکرر به کارشناسان آشنا با مفاهیم منابع طبیعی و مسائل مرتبط با آن، نواقص و ایرادات پیش‌آمده در پرسش‌نامه رفع گردید. سؤالات در پرسش‌نامه سرمایه معیشت به‌گونه‌ای طراحی گردید که ضمن دستیابی به اهداف تحقیق برای پاسخ‌گویان نیز شفاف و بدون ابهام باشد. داده‌ها در پرسش‌نامه به‌صورت کمی و با مقیاس رتبه‌ای و بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) مورد ارزیابی قرار گرفتند. روایی محتوایی پرسش‌نامه از طریق پنلی از متخصصین دانشگاهی و کارشناسان اجرایی مورد تأیید قرار گرفت و پایایی سازه‌های مهم پرسش‌نامه از طریق مطالعه اولیه با بهره‌برداران و تحلیل آزمون کرونباخ آلفا برای داده‌های رتبه‌ای چندقسمتی تأیید گردید.

پس از جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز برای آنالیز آن‌ها کلیه داده‌ها در صفحه اکسل وارد شدند و سپس مورد تحلیل قرار گرفتند. در مطالعه حاضر از طیفی از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش آنالیز تحلیلی و استنباطی از میان روش‌های استنباطی با توجه به ماهیت داده‌ها، از آمار استنباطی و آزمون ناپارامتریک کروسکال والیس برای مقایسه جداگانه بین معیارهای هرکدام از دو گروه بهره‌برداران و

کارشناسان استفاده شد. علاوه بر این، از آزمون‌های آزمون‌های تعقیبی و من‌ویتی برای رد یا تأیید فرضیات استفاده گردید. اختلاف آماری معنی‌دار در گروه یا سایر گروه‌ها با استفاده از آزمون ناپارامتریک تعقیبی (Post hoc) تعیین شد. از آزمون من‌ویتی جهت تعیین اختلاف آماری معنی‌دار برای هر کدام از سرمایه‌های معیشت بین دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان به‌صورت جفتی در هر معیار استفاده گردید. در هنگام آنالیز کروسکال والیس که آزمون تفاوت میانگین‌ها در بین سه گروه و بیشتر می‌باشد، علاوه بر آزمون معنی‌داری این تفاوت میانگین‌ها، لازم است که به کیفیت تفاوت‌ها پی برده شود. برای آگاهی از کیفیت تفاوت‌ها در آزمون ناپارامتریک کروسکال والیس از آزمون‌های تعقیبی استفاده می‌شود؛ این آزمون‌های مکمل به آزمون تعقیبی معروف است. هرچند برای آگاهی کیفیت تفاوت‌ها آزمون‌های جفتی (من‌ویتی و...) نیز به کار می‌رود با این حال آزمون تعقیبی یک مقایسه چندگانه انجام می‌دهد و همه مؤلفه‌ها یا معیارها را با یکدیگر مقایسه می‌کند. برای گزارش میانگین داده‌ها در تحقیق حاضر از اصطلاح بار اهمیت برای توصیف وزن اهمیت معیارها استفاده شد. این اصطلاح اخیراً در مطالعه ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۸) گزارش شد که به‌خوبی می‌تواند بیانگر اهمیت معیارها باشد. کلیه محاسبات آماری در نرم‌افزار SPSS 25 و رسم نمودارها در محیط Excel 2019 انجام شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان فریدون‌شهر با وسعتی بالغ بر ۲۱۶۰۰۰ هکتار (معادل ۲۱۶۰ کیلومتر مربع) در غرب استان اصفهان، بین طول جغرافیایی ۳۷۳۰۳۴ و ۴۳۶۳۷۲ و عرض جغرافیایی ۳۶۰۹۹۶۰ و ۳۶۶۰۹۷۹ واقع است که از شمال به طول ۳۲/۵ کیلومتر با شهرستان بوبین و میاندشت، از شرق به طول ۳۲ کیلومتر با شهرستان فریدن و ۲۲/۵ کیلومتر با شهرستان چادگان، از جنوب به طول ۵۶ کیلومتر با استان چهارمحال و بختیاری و از غرب به طول ۶۶ کیلومتر با استان لرستان مجاور و دارای مرز سیاسی مشترک می‌باشد. فاصله آن تا مرکز اصفهان ۱۵۵ کیلومتر، میانگین بارندگی سالانه آن ۴۵۰ میلی‌متر، اکثراً به‌صورت برف می‌باشد. ارتفاع متوسط منطقه ۲۷۵۰ متر از سطح دریا می‌باشد. مجموع مراتع و جنگل‌های شهرستان برابر ۱۸۹ هزار هکتار است. مراتع شهرستان حدود ۱۵۳ هزار هکتار می‌باشند که ۱۶ درصد از کل مراتع استان را به خود اختصاص می‌دهد. سهم شهرستان ۲۵ درصد مراتع درجه‌یک، ۱۳ درصد مراتع متوسط و ۱۶/۶ درصد مراتع فقیر و صخره‌ای از مراتع استان می‌باشد. این شهرستان دارای ۳۶ هزار هکتار جنگل طبیعی است؛ مراتع شهرستان فریدون‌شهر از نظر فصل استفاده جزء مراتع بیابانی استان اصفهان محسوب می‌شوند.



شکل ۱. نقشه محدوده مورد مطالعه به همراه موقعیت شهرستان فریدون‌شهر در استان اصفهان و کشور

یافته‌ها و بحث

نتایج ارزیابی سرمایه‌های معیشت

- سرمایه‌های طبیعی

نتایج تجزیه و تحلیل آماری سرمایه‌های طبیعی برای دو گروه کارشناسان و بهره‌برداران در جداول ۱ و ۲ گزارش شد. براساس اطلاعات به‌دست‌آمده از این آنالیز بیشترین میانگین عددی مربوط به اهمیت دارویی و صنعتی مراتع و کمترین آن مربوط به معیار حیات‌وحش و پرندگان منطقه در دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان است. آنالیز توصیفی سرمایه‌های طبیعی، برای دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان در جداول ۱ و ۲ گزارش شد. جداول ۱ و ۲، آنالیز استنباطی کروسکال والیس، اختلاف معنی‌داری معیارهای سرمایه‌های طبیعی را برای بهره‌برداران و کارشناسان به‌صورت جداگانه و آزمون تعقیبی (Post hoc) تفاوت مشخص معیارها را با حروف a, b, c, d, ... را نشان می‌دهد. نتایج تجزیه و تحلیل آمار استنباطی کروسکال والیس نشان می‌دهد اختلاف معنی‌داری بین معیارهای سرمایه‌های طبیعی برای هر دو گروه وجود دارد.

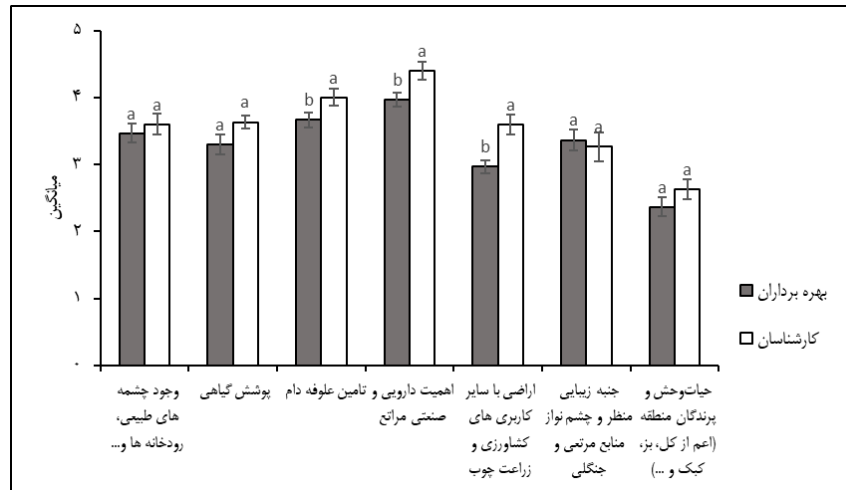
جدول ۱. مقایسه آماری معیارهای سرمایه طبیعی مربوط به گروه بهره‌برداران

معیارهای سرمایه‌های طبیعی		آمار توصیفی		آمار استنباطی	
میانگین	استاندارد اشتباه	آزمون کروسکال والیس	معنی‌داری		
۲/۳۶ b	۰/۱۳۹	۶۵/۷۰۶	۰/۰۰۰	حیات‌وحش و پرندگان منطقه (اعم از کل، بز، کبک و ...)	
۳/۳۶ a	۰/۱۵۵			جنبه زیبایی منظر و چشم‌نواز منابع مرتعی و جنگلی	
۲/۹۶ ab	۰/۱۰۱			اراضی با سایر کاربری‌های کشاورزی و زراعت چوب	
۳/۹۶ a	۰/۱۰۱			اهمیت دارویی و صنعتی مراتع	
۳/۶۶ a	۰/۱۱۰			تأمین علوفه دام	
۳/۳ a	۰/۱۴۵			پوشش گیاهی	
۳/۴۶ a	۰/۱۴۱			وجود چشمه‌های طبیعی، رودخانه‌ها و ...	

جدول ۲. مقایسه آماری معیارهای سرمایه طبیعی مربوط به گروه کارشناسان

معیارهای سرمایه طبیعی		آمار توصیفی		آمار استنباطی	
میانگین	استاندارد اشتباه	آزمون کروسکال والیس	معنی‌داری		
۲/۶۳ b	۰/۱۴۷	۵۹/۱۳۰	۰/۰۰۰	حیات‌وحش و پرندگان منطقه (اعم از کل، بز، کبک و ...)	
۳/۲۶ ab	۰/۲۱۴			جنبه زیبایی منظر و چشم‌نواز منابع مرتعی و جنگلی	
۳/۶۰ a	۰/۱۴۸			اراضی با سایر کاربری‌های کشاورزی و زراعت چوب	
۴/۴۰ a	۰/۱۳۲			اهمیت دارویی و صنعتی مراتع	
۴ a	۰/۱۲۶			تأمین علوفه دام	
۳/۶۳ a	۰/۱۰۱			پوشش گیاهی	
۳/۶۰ a	۰/۱۵۶			وجود چشمه‌های طبیعی، رودخانه‌ها و ...	

آزمون ناپارامتریک من‌ویتنی نشان داد تفاوت معنی‌داری میان تعدادی از معیارها در مقایسه هر معیار در دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان وجود دارد. با توجه به شکل ۲ از نظر معیارهای سرمایه‌های طبیعی اهمیت دارویی و صنعتی مراتع، تأمین علوفه دام و همچنین اراضی با سایر کاربری‌های کشاورزی و زراعت چوب بین دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان اختلاف معنی‌داری وجود دارد.



شکل ۲. نمودار اهمیت نسبی معیارهای سرمایه طبیعی بین دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان مورد مطالعه

– سرمایه انسانی

نتایج تجزیه و تحلیل آماری سرمایه‌های انسانی برای دو گروه کارشناسان و بهره‌برداران در جداول ۳ و ۴ گزارش شد. براساس اطلاعات به‌دست‌آمده بیشترین میانگین عددی مربوط به افراد کارآفرین و کمترین مربوط به معیار مبلغین و روحانیون منطقه مورد مطالعه در دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان می‌باشد. آنالیز توصیفی سرمایه‌های انسانی، برای دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان در جداول ۳ و ۴ گزارش شد. جداول ۳ و ۴، آنالیز استنباطی کروسکال والیس، اختلاف معنی‌داری معیارهای سرمایه‌های انسانی را برای بهره‌برداران و کارشناسان به‌صورت جداگانه و آزمون تعقیبی (Post hoc) تفاوت مشخص معیارها را با حروف a, b, c, d, ... را نشان می‌دهد. نتایج تجزیه و تحلیل آمار استنباطی کروسکال والیس نشان می‌دهد اختلاف معنی‌داری بین معیارهای سرمایه‌های انسانی برای هر دو گروه وجود دارد.

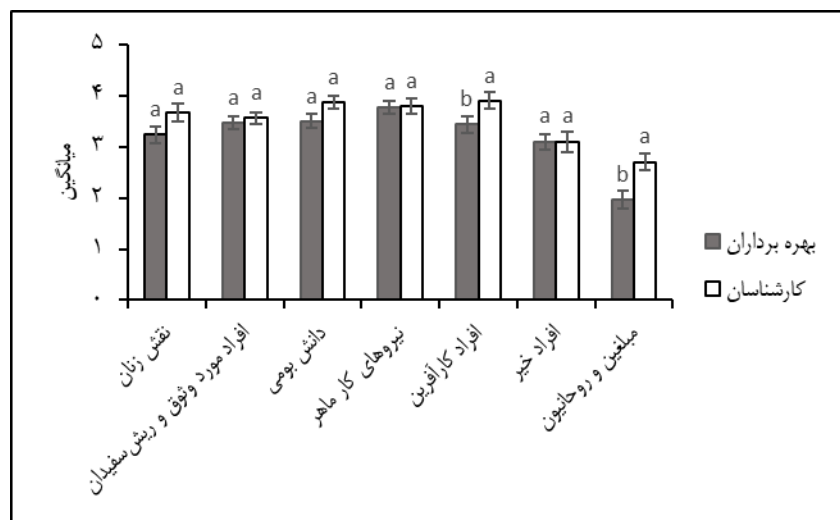
جدول ۳. مقایسه آماری معیارهای سرمایه انسانی مربوط به گروه بهره‌برداران

معیارهای سرمایه انسانی		آمار توصیفی		آمار استنباطی	
میانگین	استاندارد اشتباه	آزمون کروسکال والیس	معنی‌داری		
۱/۹۶ b	۰/۱۶۹	۵۳/۳۷۹	۰/۰۰۰	مبلغین و روحانیون	
۳/۱ ab	۰/۱۴۶			افراد خبر	
۳/۴۳ a	۰/۱۷۰			افراد کارآفرین	
۳/۷۶ a	۰/۱۳۲			نیروهای کار ماهر	
۳/۵ a	۰/۱۴۱			دانش بومی	
۳/۴۶ a	۰/۱۳۳			افراد مورد وثوق و ریش‌سفیدان	
۳/۲۳ a	۰/۱۷۰			نقش زنان	

آزمون ناپارامتریک من ویتنی ($\alpha=0.05$) نشان داد تفاوت معنی‌داری میان معیارهای سرمایه انسانی در هر دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان وجود دارد. با توجه به شکل ۳، از نظر معیارهای سرمایه انسانی، افراد کارآفرین و معیار مبلغین و روحانیون اختلاف معنی‌داری بین دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان وجود دارد. شکل ۳ میانگین اهمیت نسبی (بار اهمیت) سرمایه‌های انسانی مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۴. مقایسه آماری معیارهای سرمایه انسانی مربوط به گروه کارشناسان

معیارهای سرمایه انسانی		آمار توصیفی		آمار استنباطی
		میانگین	استاندارد انحراف	آزمون کروستال وایس
معنی داری	مبلعین و روحانیون	۲/۷۰ b	۰/۱۶۰	۴۱/۰۱۳
	افراد خیر	۳/۱۰ b	۰/۱۹۹	
	افراد کارآفرین	۳/۹۰ a	۰/۱۶۱	
	نیروهای کار ماهر	۳/۸۰ a	۰/۱۵۴	
	دانش بومی	۳/۸۶ a	۰/۱۳۳	
	افراد مورد وثوق و ریش سفیدان	۳/۵۶ a	۰/۱۱۴	
	نقش زنان	۳/۶۶ a	۰/۱۷۵	



شکل ۳. نمودار اهمیت نسبی معیارهای سرمایه انسانی بین دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان مورد مطالعه

– سرمایه اجتماعی

نتایج تجزیه و تحلیل آماری سرمایه‌های اجتماعی برای دو گروه کارشناسان و بهره‌برداران در جداول ۵ و ۶ گزارش شد. اطلاعات استخراج شده نشان می‌دهد بیشترین تأثیر (میانگین عددی) از نظر بهره‌برداران، مربوط به معیارهای اعتماد اجتماعی و روابط و انسجام اجتماعی می‌باشد و از نظر بهره‌برداران کم تأثیرترین معیار مربوط به تعاونی‌ها و تشکلهای منطقه مورد مطالعه می‌باشد. آنالیز توصیفی سرمایه اجتماعی نشان داد بیشترین میانگین مربوط به معیارهای امنیت اجتماعی و تعاونی‌ها و تشکلهای می‌باشد و کمترین میانگین را معیار میزان مشارکت‌پذیری (روحیه تعاون) دارد. علاوه بر این، جداول ۵ و ۶ آنالیز استنباطی کروستال وایس اختلاف معنی‌داری معیارهای سرمایه‌های اجتماعی بهره‌برداران و کارشناسان به صورت جداگانه و آزمون تعقیبی (Post hoc) تفاوت مشخص معیارها را با حروف a, b, c, d, ... نشان می‌دهد. نتایج تجزیه و تحلیل آمار استنباطی کروستال وایس نشان می‌دهد اختلاف معنی‌داری بین معیارهای سرمایه‌های انسانی برای هر دو گروه وجود دارد.

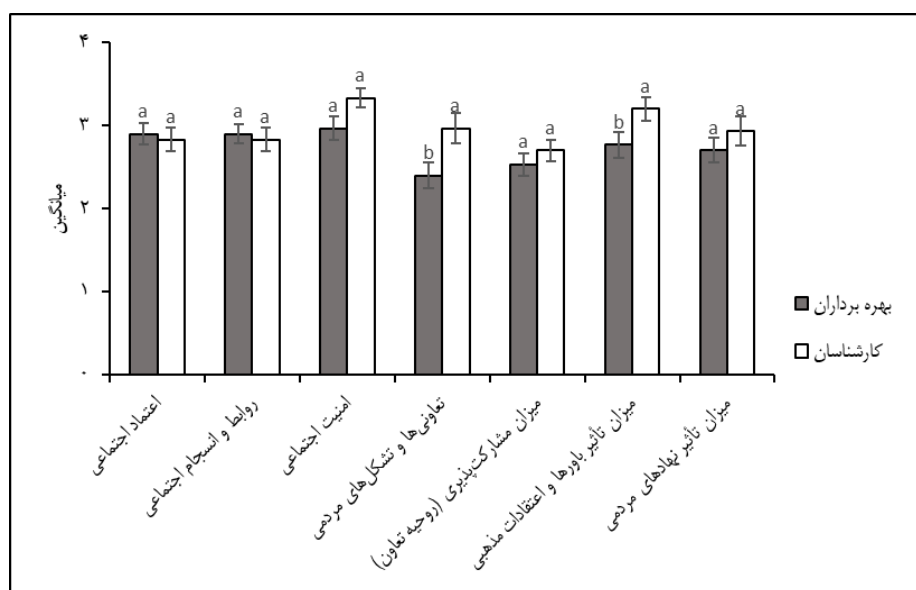
جدول ۵. مقایسه آماری معیارهای سرمایه اجتماعی مربوط به گروه بهره‌برداران

معنی‌داری	آمار استنباطی	آمار توصیفی		معیارهای سرمایه اجتماعی
		استاندارد اشتباه	میانگین	
۰/۰۱۲	۱۶/۴۴۵	۰/۱۴۹	۲/۶۸ a	میزان تأثیر نهادهای مردمی
		۰/۱۵۹	۲/۷۹ a	میزان تأثیر باورها و اعتقادات مذهبی
		۰/۱۳۶	۲/۵۵ a	میزان مشارکت‌پذیری (روحیه تعاون)
		۰/۱۶	۲/۴۱ a	تعاونی‌ها و تشکلهای مردمی
		۰/۱۴	۳ a	امنیت اجتماعی
		۰/۱۱۴	۲/۸۹ a	روابط و انسجام اجتماعی
		۰/۱۲۵	۲/۸۹ a	اعتماد اجتماعی

جدول ۶. مقایسه آماری معیارهای سرمایه اجتماعی مربوط به گروه کارشناسان

معنی‌داری	آمار استنباطی	آمار توصیفی		معیارهای سرمایه اجتماعی
		استاندارد اشتباه	میانگین	
۰/۰۵۱	۱۲/۵۳۵	۰/۱۷۲	۲/۹۳ a	میزان تأثیر نهادهای مردمی
		۰/۱۳۸	۳/۲ a	میزان تأثیر باورها و اعتقادات مذهبی
		۰/۱۲۸	۲/۷ a	میزان مشارکت‌پذیری (روحیه تعاون)
		۰/۱۸۲	۲/۹۶ a	تعاونی‌ها و تشکلهای مردمی
		۰/۱۲	۳/۳۳ a	امنیت اجتماعی
		۰/۱۴۴	۲/۸۳ a	روابط و انسجام اجتماعی
		۰/۱۴۴	۲/۸۳ a	اعتماد اجتماعی

آزمون ناپارامتریک من ویتنی ($\alpha=0.05$) نشان داد تفاوت معنی‌داری میان تعدادی از معیارهای سرمایه اجتماعی در دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان وجود دارد. با توجه به شکل ۴ از نظر معیارهای سرمایه‌های اجتماعی تعاونی‌ها و تشکلهای مردمی و تأثیر باورها و اعتقادات مذهبی اختلاف معنی‌داری بین دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان وجود دارد. از نظر سایر معیارها اختلاف معنی‌داری وجود ندارد. شکل ۴ میانگین اهمیت نسبی (بار اهمیت) سرمایه‌های اجتماعی مورد مطالعه را نشان می‌دهد.



شکل ۴. نمودار اهمیت نسبی معیارهای سرمایه اجتماعی بین دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان مورد مطالعه

– سرمایه مالی

نتایج تجزیه و تحلیل آماری سرمایه‌های مالی برای دو گروه کارشناسان و بهره‌برداران در جداول ۷ و ۸ گزارش شد. بر اساس نتایج، از نظر بهره‌برداران و کارشناسان بیشترین امتیاز مربوط به وضعیت دام و تولیدات دامی می‌باشد و کمترین امتیاز معیار مربوط به جایگاه بیمه‌ای (بهره‌برداران و مراتع) می‌باشد. جداول ۷ و ۸، آنالیز استنباطی کروسکال والیس، اختلاف معنی‌داری معیارهای سرمایه‌های مالی برای بهره‌برداران و کارشناسان به صورت جداگانه و آزمون تعقیبی (Post hoc) تفاوت مشخص معیارها را با حروف a, b, c, d, ... نشان می‌دهد. نتایج تجزیه و تحلیل آمار استنباطی کروسکال والیس نشان می‌دهد اختلاف معنی‌داری بین معیارهای سرمایه‌های انسانی برای هر دو گروه وجود دارد.

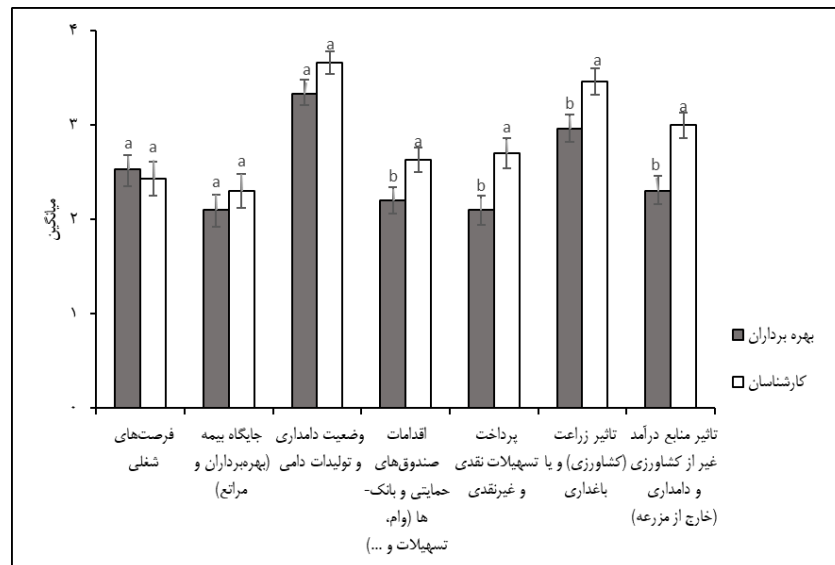
جدول ۷. مقایسه آماری معیارهای سرمایه مالی مربوط به گروه بهره‌برداران

معیارهای سرمایه مالی		آمار توصیفی		آمار استنباطی
		میانگین	استاندارد اشتباه	آزمون کروسکال والیس
تأثیر منابع درآمد غیر از کشاورزی و دامداری (خارج از مزرعه)	۲/۳ ab	۰/۱۶	۳۹/۱۲	۰/۰۰۰
	۲/۹۶ a	۰/۱۴۷		
	۲/۱ a	۰/۱۵۴		
	۲/۲ a	۰/۱۴۷		
	۳/۳۳ ab	۰/۱۴۶		
	۲/۱ a	۰/۱۶		
	۲/۵۳ a	۰/۱۴		
فرصت‌های شغلی				

جدول ۸. مقایسه آماری معیارهای سرمایه مالی مربوط به گروه کارشناسان

معیارهای سرمایه فیزیکی		آمار توصیفی		آمار استنباطی
		میانگین	استاندارد اشتباه	آزمون کروسکال والیس
تأثیر منابع درآمد غیر از کشاورزی و دامداری (خارج از مزرعه)	۳ a	۰/۱۳۵	۶۱/۵	۰/۰۰۰
	۳/۴۶ a	۰/۱۴۱		
	۲/۷ ab	۰/۱۶		
	۲/۶۳ ab	۰/۱۳۱		
	۳/۶۶ a	۰/۱۲		
	۲/۳ a	۰/۱۸		
	۲/۴۳ a	۰/۱۸۳		
فرصت‌های شغلی				

آزمون ناپارامتریک من‌ویتنی نشان داد، تفاوت معنی‌داری میان تعدادی از معیارهای سرمایه مالی در دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان وجود دارد. با توجه به نمودار در شکل ۵ از نظر معیارهای سرمایه مالی تأثیر منابع درآمد غیر از کشاورزی و دامداری (خارج از مزرعه)، تأثیر زراعت (کشاورزی) و باغداری، پرداخت تسهیلات نقدی و غیر نقدی و اقدامات صندوق‌های حمایتی و بانک‌ها (وام، تسهیلات و ...)، اختلاف معنی‌داری بین دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان وجود دارد. بین سایر معیارها اختلاف معنی‌داری وجود ندارد. شکل ۵ میانگین اهمیت نسبی (بار اهمیت) سرمایه‌های انسانی مورد مطالعه را نشان می‌دهد.



شکل ۵. نمودار اهمیت نسبی معیارهای سرمایه‌های مالی بین دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان مورد مطالعه

– سرمایه فیزیکی (زیرساختی)

نتایج تجزیه و تحلیل آماری سرمایه‌های فیزیکی برای دو گروه کارشناسان و بهره‌برداران در جداول ۹ و ۱۰ گزارش شد. نتایج آنالیز توصیفی نشان داد که بیشترین امتیاز از نظر بهره‌برداران و کارشناسان مربوط به زیرساخت شبکه برق‌رسانی می‌باشد و کمترین امتیاز مربوط به زیرساخت لوله‌کشی آب و شبکه فاضلاب می‌باشد. آنالیز توصیفی سرمایه‌های طبیعی، برای دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان در جداول ۹ و ۱۰ گزارش شده است. جداول ۹ و ۱۰، آنالیز استنباطی کروسکال والیس اختلاف معنی‌داری معیارهای سرمایه‌های فیزیکی را برای بهره‌برداران و کارشناسان به صورت جداگانه و آزمون تعقیبی (Post hoc) تفاوت مشخص معیارها با حروف a, b, c, d, ... نشان می‌دهد. نتایج تجزیه و تحلیل آمار استنباطی کروسکال والیس نشان می‌دهد اختلاف معنی‌داری بین معیارهای سرمایه‌های فیزیکی برای هر دو گروه وجود دارد.

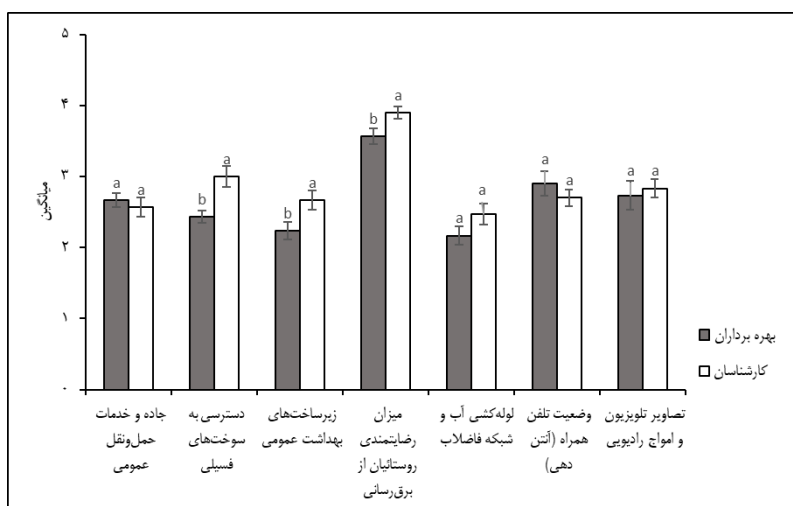
جدول ۹. مقایسه آماری معیارهای سرمایه فیزیکی مربوط به گروه بهره‌برداران

معیارهای سرمایه فیزیکی		آمار توصیفی		آمار استنباطی	
		میانگین	استاندارد اشتباه	آزمون کروسکال والیس	معنی‌داری
تصاویر تلویزیون و امواج رادیویی		۲/۷۳ a	۰/۲۰۳	۵۵/۲۵۳	۰/۰۰۰
وضعیت تلفن همراه (آنتن دهی)		۲/۹ a	۰/۱۷۵		
لوله‌کشی آب و شبکه فاضلاب		۲/۱۶ b	۰/۱۲۷		
میزان رضایتمندی روستائیان از برق‌رسانی		۳/۵۶ a	۰/۱۱۴		
زیرساخت‌های بهداشت عمومی		۲/۲۳ b	۰/۱۲۳		
دسترسی به سوخت‌های فسیلی		۲/۴۳ a	۰/۰۹۲		
جاده و خدمات حمل‌ونقل عمومی		۲/۶۶ a	۰/۰۹۹		

جدول ۱۰. مقایسه آماری معیارهای سرمایه فیزیکی مربوط به گروه کارشناسان

معنی داری	آمار استنباطی	آمار توصیفی		معیارهای سرمایه فیزیکی
		استاندارد اشتباه	میانگین	
۰/۰۰۰	۵۹/۵۵۳	۰/۱۲۷	۲/۸۳ a	تصاویر تلویزیون و امواج رادیویی
		۰/۱۱۸	۲/۷ a	وضعیت تلفن همراه (آنتن دهی)
		۰/۱۴۹	۲/۴۶ b	لوله کشی آب و شبکه فاضلاب
		۰/۰۸	۳/۹ a	میزان رضایتمندی روستائیان از برق رسانی
		۰/۱۳۸	۲/۶۶ ab	زیرساخت‌های بهداشت عمومی
		۰/۱۴۳	۳ a	دسترسی به سوخت‌های فسیلی
		۰/۱۳۲	۲/۵۶ ab	جاده و خدمات حمل و نقل عمومی

آزمون ناپارامتریک من ویتنی ($\alpha=0.05$) نشان داد تفاوت معنی داری از نظر برخی معیارهای سرمایه‌های فیزیکی در دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان وجود دارد. با توجه به نمودار در شکل ۶ از نظر معیارهای سرمایه فیزیکی، میزان رضایتمندی روستائیان از برق رسانی، زیرساخت‌های بهداشت عمومی، دسترسی به سوخت‌های فسیلی و جاده و خدمات حمل و نقل عمومی اختلاف معنی داری می‌باشد. بین دو گروه از نظر سایر معیارهای فیزیکی اختلاف معنی داری وجود ندارد. شکل ۶ نمودار اهمیت نسبی معیارهای سرمایه فیزیکی در دو گروه کارشناسان و بهره‌برداران را نشان می‌دهد.



شکل ۶. نمودار اهمیت نسبی معیارهای سرمایه فیزیکی بین دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان مورد مطالعه

به‌منظور ریشه‌کنی فقر و بهبود معیشت جوامع محلی در دهه ۱۹۸۰ بحث رویکرد معیشت پایدار توسعه داده شد. این رویکرد سعی بر این دارد که مشکل فقر جوامع محلی و آسیب‌پذیری معیشت خانوارها را موردبررسی قرار دهد. رویکرد معیشت پایدار به دنبال شناخت وضعیت سرمایه‌های افراد به‌عنوان هسته مرکزی معیشت پایدار توجه کرده است (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۴). خدیری غریب‌وند و همکاران (۲۰۱۸)، معیشت و مؤلفه‌های آن را به عنوان مؤلفه‌های مدیریت پایدار مراعات مورد بررسی قرار دادند؛ بنابراین بررسی و شناخت سرمایه‌های معیشت از اولویت‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها به‌منظور دستیابی به مدیریت پایدار می‌باشد. در پژوهشی نگوگی و نیاریکی (۲۰۰۵) سرمایه‌های مختلف را در ارتباط معیشت‌های تولیدی (مولد) و استخراجی (مخرب) مورد بررسی قرار دادند و چارچوبی در این زمینه ارائه و ضعف و محدودیت انواع سرمایه را مورد بررسی قرار دادند. در مطالعه‌ای دیگر ایسده و لوپز (۲۰۱۷) سرمایه‌های معیشت را در ارتباط با مدل حال و انتقال به کار بردند و پنج نوع سرمایه را که در مدل حال و انتقال ساختاری و عملکردی ارائه داده بودند ادغام کردند. در نهایت پیشنهاد دادند هر سرمایه می‌تواند به‌وسیله ویژگی‌های ساختاری و عملکردی برای شناسایی وضعیت‌ها و آسانه‌های بحرانی بررسی شوند که برای عملیاتی کردن آن، متغیرهای ساختاری و عملکردی مرتبط با هر سرمایه باید شناسایی شود.

معیشت به‌عنوان محور و مرکز ثقل مدیریت پایدار مراتع به رسمیت شناخته شده است (Khedrigharibvand et al, 2018)، بنابراین توجه به معیشت زیربنای هر طرح و برنامه‌ای در مدیریت پایدار مراتع است. یکی از جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، توجه به مؤلفه‌های معیشت است. چارچوب معیشت یک قالب پیچیده‌ای است که عوامل متعددی را در بر می‌گیرد. سرمایه معیشت از مؤلفه‌های اصلی چارچوب معیشت پایدار می‌باشند و نقش حیاتی در تأمین معیشت پایدار دارند. سرمایه‌های معیشت شامل ۵ مؤلفه اصلی سرمایه‌های طبیعی، انسانی، اجتماعی، مالی و فیزیکی (زیرساخت‌ها) می‌باشند که در ادامه به بحث و تحلیل این مؤلفه‌ها پرداخته می‌شود. نتایج استخراج‌شده از پرسش‌نامه‌ها، آنالیز توصیفی و استنباطی، عوامل مؤثر در سرمایه طبیعی و میانگین آن‌ها از نظر سهم آن‌ها در سرمایه طبیعی گزارش شد. آنالیز کروسکال والیس نشان داد اختلاف معنی‌دار بین معیارهای سرمایه طبیعی (معیارهای اهمیت دارویی و صنعتی مراتع، تأمین علوفه و پوشش مناسب گیاهی) برای هر دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان وجود دارد. در این میان معیارهای اهمیت دارویی و صنعتی مراتع، تأمین علوفه و پوشش مناسب گیاهی نسبت به سایر معیارها بار اهمیت بیشتری هستند و شرایط مطلوب‌تری دارند. علاوه بر این، کمترین بار اهمیت مربوط به معیار حیات‌وحش می‌باشد که با سایر معیارها اختلاف قابل‌توجهی دارد. سایر معیارها بار اهمیت بالاتری از لحاظ تأثیر در بهبود معیشت بهره‌برداران منطقه داشتند (جدول ۱) و (جدول ۲).

از بالا بودن میانگین معیارهای تأمین علوفه، اهمیت دارویی و صنعتی مراتع، اراضی با سایر کاربری‌های کشاورزی و زراعت می‌توان استدلال نمود که منطقه مورد مطالعه دارای پوشش گیاهی مناسب برای تأمین علوفه دام و پتانسیل اکولوژی از لحاظ استقرار و تولید گیاهان دارویی و صنعتی مطلوب می‌باشد. از این‌رو معیارهای یادشده در منطقه مورد توجه بهره‌برداران و کارشناسان برای بهبود معیشت قرار گرفته است و بار اهمیت زیادی به آن داده شده است. کمترین بار اهمیت را معیار حیات‌وحش منطقه فریدون‌شهر به خود اختصاص داده است. به ادعان کارشناسان و بهره‌برداران این معیار تأثیر چندانی بر معیشت نداشتند و می‌توان این موضوع را دلیل بار اهمیت پایین آن دانست.

مطالعه عیسی‌زهی و شریفی‌زاده (۱۴۰۰) نشان داد سرمایه‌های طبیعی بدلیل داشتن وضعیت نامناسب نقش اندکی در بهبود وضعیت معیشتی شهرستان سراوان دارند که با نتایج مطالعه فوق همخوانی ندارد. مطالعه شریفی و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی وضعیت سرمایه‌های معیشتی و پایداری آن‌ها اظهار داشتند در شهرستان دنا معیار پوشش گیاهی از وضعیت مناسبی در سرمایه طبیعی برخوردار است که با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو می‌باشد اما از نظر وجود منابع آبی و میانگین کلی سرمایه‌های طبیعی با نتایج تحقیق حاضر در تضاد می‌باشد. کریمی و کرمی دهکردی (۱۳۹۴) نیز در بررسی معیشت خانوارهای روستایی شهرستان ماهنشان، هم‌راستا با نتایج تحقیق حاضر بیان داشتند سرمایه‌های طبیعی از نقاط قوت سرمایه‌های معیشت بود. علاوه بر این، بذرافشان و همکاران (۱۳۹۷) نقش سرمایه‌های طبیعی در میزان بهبود معیشت بهره‌برداران را برجسته کردند. بنابراین اظهارات پاسخگویان معیشت بهره‌برداران شهرستان فریدون‌شهر وابستگی زیادی به منابع طبیعی دارد و در برابر شوک‌های مخرب (آتش‌سوزی، سرما و یخبندان و...)، سرمایه‌های طبیعی آسیب‌پذیر و معیشت افراد وابسته دچار مشکل می‌شود. این موضوع وابستگی معیشت منطقه را به سرمایه‌های طبیعی نشان می‌دهد.

نتایج آنالیز من‌ویتی در زمینه سرمایه‌های طبیعی برای مقایسه دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان نشان داد در زمینه سرمایه طبیعی، از نظر مؤلفه‌های تأمین علوفه دام، اهمیت دارویی و صنعتی مراتع، اراضی با سایر کاربری‌های کشاورزی و زراعت چوب، اختلاف معنی‌دار دارند (شکل ۲). اختلاف معنی‌دار بیانگر واگرایی دیدگاه هر گروه مورد مطالعه است. از نظر مؤلفه‌های وجود چشمه‌های طبیعی، رودخانه‌ها و غیره، پوشش گیاهی، جنبه زیبایی منظر و چشم‌نواز منابع مرتعی و جنگلی، حیات‌وحش و پرندگان منطقه (اعم از کل، بز، کبک و...)، اختلاف معنی‌دار وجود ندارد. عدم وجود اختلاف معنی‌دار را می‌توان تا حدی به همگرایی دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان نسبت داد با این حال در بررسی جزئی‌تر با توجه به نمودار در شکل ۲ واگرایی دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان را می‌توان به تفاوت در نگرش به سرمایه طبیعی دانست، به‌طوری‌که کارشناسان آگاهی بیشتری از ظرفیت منطقه دارند و علاوه بر تأمین معیشت به پایداری و حفظ سرمایه‌های طبیعی نیز توجه داشته‌اند، در مقابل بهره‌برداران به استفاده سنتی از سرمایه طبیعی اکتفا می‌کنند و به دنبال تأمین معیشت روزمره خود می‌باشند و اطلاع کافی از ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه منابع طبیعی خود ندارند و می‌توان گفت که به حفظ و پایداری سرمایه‌های طبیعی کمتر اهمیت می‌دهند.

نتایج استخراج‌شده از پرسش‌نامه‌ها، آنالیز توصیفی و استنباطی، عوامل مؤثر در سرمایه انسانی و میانگین آن‌ها از نظر سهم آن‌ها در سرمایه انسانی گزارش شد. آنالیز کروسکال والیس نشان داد اختلاف معنی‌دار بین معیارهای سرمایه انسانی برای هر دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان وجود دارد. معیارهای حضور افراد کارآفرین، وجود نیروی کار ماهر و باتجربه و دانش بومی بهره‌برداران بالاترین بار اهمیت را به خود اختصاص

دادند. می‌توان گفت این معیارها نقش مهمی در بهبود معیشت جوامع محلی و مدیریت منابع طبیعی دارند. استفاده از این معیارها در دستیابی به اهداف مهم پایدار منابع طبیعی در منطقه مورد مطالعه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند.

در راستای نتایج این تحقیق، غزالی و زیبایی (۱۳۹۶) استدلال کردند افزایش سرمایه انسانی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر فعالیت‌های خدماتی و تنوع فعالیت‌ها دارد. علاوه بر این، نقش سرمایه انسانی (سطح تحصیلات، نیروی کار ماهر و ...) بر مدیریت منابع طبیعی و بهبود معیشت مؤثر دانستند که با نتایج این پژوهش هم‌خوانی دارد. بذرافشان و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای نیروی کار و تحصیلات را بر معیشت بهره‌برداران مؤثر دانستند و معیار دانش بومی را چندان مؤثر ندانستند که با نتایج این پژوهش تناقض دارد. علاوه بر این، نقش زنان و ریش‌سفیدان باتجربه را نمی‌توان نادیده گرفت. همچنان که زنان همراه با مردان نقش و وظایف مهمی در معیشت دارند. همچنین استفاده از تجربه ریش‌سفیدان توسط قشر جوان‌تر را می‌توان عامل مؤثری بر معیشت بهره‌برداران دانست. سایر معیارها از بار اهمیت بالایی برخوردارند که گویای تأثیر مهم آن‌ها در مدیریت منابع طبیعی و ارتقاء بهبود معیشت بهره‌برداران می‌باشند. علاوه بر این، کمترین بار اهمیت مربوط به معیار مبلغین در میان بهره‌برداران می‌باشد (جدول ۳ و ۴). در خصوص اثر مبلغین بر معیشت در حوزه مدیریت منابع طبیعی و تأثیر آن‌ها در بهبود معیشت می‌توان این‌گونه استنباط نمود حضور مبلغین در اجتماعات روستایی و بهره‌برداران صرفاً برای امورات دینی و شرعی می‌باشد، از نظر بهره‌برداران و کارشناسان حضور مبلغین نمی‌تواند تأثیر چندانی در حوزه منابع طبیعی داشته باشد که در این زمینه اگر مبلغین به اهمیت منابع طبیعی بر معیشت از دیدگاه آیات و روایات بپردازند شاید مؤثرتر واقع شود.

نتایج آنالیز من‌ویتنی در زمینه سرمایه انسانی برای مقایسه دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان نشان داد در زمینه سرمایه انسانی، از نظر مؤلفه‌های حضور افراد کارآفرین و مبلغین اختلاف معنی‌دار دارند که بیانگر واگرایی دیدگاه‌های گروه‌های مورد مطالعه است. سایر مؤلفه‌ها از نظر بهره‌برداران و کارشناسان اختلاف معنی‌دار ندارند. عدم وجود اختلاف معنی‌دار این مؤلفه‌ها را می‌توان به همگرایی دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان نسبت داد. باین‌حال در بررسی جزئی‌تر با توجه به نمودار در شکل ۳ واگرایی دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان را می‌توان به حضور افراد کارآفرین برای پیشبرد اهداف، سهولت کار و جذب سرمایه‌گذاری و هدایت این سرمایه‌ها به سمت مدیریت منابع طبیعی و بهبود معیشت بهره‌برداران از نظر کارشناسان و عدم اعتماد بهره‌برداران نسبت به حضور افراد کارآفرین دانست. واگرایی دیدگاه نسبت به معیار حضور مبلغین و روحانیون را می‌توان این‌گونه استدلال نمود که بهره‌برداران به مبلغین و روحانیون فقط از نظر امور دینی می‌نگرند ولی کارشناسان عقیده دارند می‌توان از ظرفیت روحانیون و مبلغین و مقبولیت آنان در بین جوامع محلی برای آموزش مباحث منابع طبیعی استفاده نمود. به‌طور کل می‌توان گفت دانش بومی و تجربه بهره‌برداران با توجه به شناخت آنان از منطقه موضوع مهمی در خصوص شناسایی مشکلات و پتانسیل‌ها به‌منظور مدیریت موضوعات منابع طبیعی می‌باشد.

نتایج استخراج‌شده از پرسش‌نامه‌ها، آنالیز توصیفی و استنباطی، عوامل مؤثر در سرمایه اجتماعی و میانگین آن‌ها از نظر سهم آن‌ها در سرمایه اجتماعی گزارش شد. آنالیز کروسکال والیس نشان داد اختلاف معنی‌دار بین معیارهای سرمایه اجتماعی برای هر دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان وجود دارد. بالاترین بار اهمیت به معیارهای اعتماد اجتماعی، روابط و انسجام اجتماعی، باورها و اعتقادات مذهبی و امنیت اجتماعی اختصاص داده شد. علاوه بر این، کمترین بار اهمیت از نظر بهره‌برداران مربوط به معیار تعاونی‌ها و تشکل‌های مردمی و از نظر کارشناسان مربوط به معیار میزان مشارکت‌پذیری (روحیه تعاون) بود (شکل ۴)، سایر معیارها از میانگین امتیاز بالایی برخوردار شدند (جدول ۵ و ۶) گویای تأثیر مهم آن‌ها در مدیریت منابع طبیعی و ارتقاء بهبود معیشت بهره‌برداران می‌باشند.

از نظر میانگین کلی و با توجه به آنالیز توصیفی سرمایه اجتماعی، پژوهش حاضر با نتایج یافته‌های سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۵) که سهم دارایی اجتماعی در مقایسه با سایر دارایی‌ها را از بیشتر دانستند، هم‌خوانی ندارد؛ این امر نشان از عدم یک‌پارچگی، هم‌بستگی و انسجام اجتماعی در منطقه مورد مطالعه است. از دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان نقش نهادها، تعاونی‌ها و سازمان‌ها برای تکامل و پویایی این معیارها بسیار کم‌رنگ اظهار شده است تا جایی که عدم سرمایه‌گذاری از سوی این ارگان‌ها، باعث تغییر رویکرد منفی جوامع محلی نسبت به این معیارها شده است. نظر بهره‌برداران و کارشناسان در این خصوص خود صحنه بر این تحلیل می‌باشد که در نظرسنجی بار اهمیت پائینی اختصاص داده‌اند. مطالعه شریفی و همکاران (۱۳۹۶)، عوامل مربوط به اعتماد، امنیت و انسجام اجتماعی از مهم‌ترین معیارهای سرمایه اجتماعی تأثیرگذار بر معیشت و پایداری آن بیان نمودند؛ که با نظر بهره‌برداران و کارشناسان در پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد.

نتایج آنالیز من‌ویتنی در زمینه سرمایه اجتماعی برای مقایسه دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان نشان داد در زمینه سرمایه اجتماعی، از نظر مؤلفه‌های تعاونی‌ها و تشکل‌های مردمی و میزان تأثیر باورها و اعتقادات مذهبی اختلاف معنی‌دار دارند که می‌توان به واگرایی دیدگاه تعبیر کرد.

از نظر بهره‌برداران و کارشناسان در سایر مؤلفه‌ها اختلاف معنی‌دار وجود ندارد (شکل ۴). بالاین‌حال در بررسی جزئی‌تر با توجه به نمودار شکل ۴ واگرایی دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان را می‌توان از نظر کارشناسان این گونه بیان نمود، ایجاد تعاونی و تشکلهای مردمی می‌تواند تأثیر زیادی بر معیشت بهره‌برداران داشته باشد ولی بهره‌برداران به علت تجربه از عدم کارایی برخی تعاونی‌ها در سال‌های گذشته نسبت به تشکلهای بی‌اعتماد شده‌اند و اختلاف دیدگاه به وجود آمده است؛ و همگرایی دیدگاه‌های آنان را به توافق نظر و ارتباط مستقیم باهم و شناخت مشابه از معیارها مرتبط دانست.

آنالیز کروسکال والیس نشان داد اختلاف معنی‌دار بین معیارهای سرمایه مالی برای هر دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان وجود دارد. بالاترین بار اهمیت به معیارهای وضعیت دامداری، تولیدات دامی و زراعت (کشاورزی) و باغداری اختصاص داده شد. علاوه براین، کمترین بار اهمیت از نظر بهره‌برداران و کارشناسان مربوط به معیارهای جایگاه بیمه، اقدامات صندوق‌های مالی، پرداخت تسهیلات نقدی و غیر نقدی و فرصت‌های شغلی می‌باشد (جدول ۷) و (جدول ۸). نتایج این پژوهش با مطالعه غزالی و زیبایی (۱۳۹۶) که نشان دادند ارتقای سرمایه مالی باعث توانمند شدن خانوارهای عشایری در فعالیتهای خود می‌شوند هم‌خوانی دارند. مطالعات بادکو و همکاران (۱۳۹۹) و شریفی و همکاران (۱۳۹۶) هم‌راستا با نتایج این پژوهش حاضر سرمایه مالی کمترین بار اهمیت را به خود اختصاص داده است. از آنجایی‌که دامداری و تولیدات دامی منبع اصلی درآمد بهره‌برداران می‌باشد از دیدگاه پاسخگویان تأثیر مثبتی بر معیشت دارد و از طرفی چون مرتع‌داران سابقه بیمه مناسب ندارند دلیلی بر پایین بودن میانگین این معیار می‌باشد. زراعت (کشاورزی) و باغداری پس از دامداری از مهم‌ترین منابع درآمدی و معیشتی بهره‌برداران می‌باشد از این رو بالا بودن بار اهمیت آن منطقی به نظر می‌رسد. سایر مؤلفه‌های سرمایه‌های مالی از جمله جایگاه بیمه، اقدامات صندوق‌ها و غیره طبق نظر بهره‌برداران و کارشناسان اهمیت بالایی نداشتند که عدم آشنایی، نبود حمایت‌های مالی، عدم تخصیص تسهیلات مناسب به جوامع محلی و عدم وجود حمایت‌های بیمه‌ای را می‌توان از دلایل آن دانست. می‌توان گفت یکی از راه‌کارهای بهبود معیشت و کاهش فشار بر عرصه‌های طبیعی حمایت‌های مالی مانند اعطای تسهیلات بانکی بنیه‌های اقتصادی می‌باشد.

نتایج آنالیز من‌ویتنی در زمینه سرمایه مالی برای مقایسه دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان نشان داد در زمینه سرمایه مالی، از نظر مؤلفه‌های اقدامات صندوق‌های حمایتی و بانک‌ها (وام، تسهیلات و ...)، پرداخت تسهیلات نقدی و غیر نقدی، تأثیر زراعت (کشاورزی) و یا باغداری و تأثیر منابع درآمد غیر از کشاورزی و دامداری (خارج از مزرعه)، در بین بهره‌برداران اختلاف معنی‌دار و واگرایی دیدگاه وجود دارد. از نظر مؤلفه‌های فرصت‌های شغلی، جایگاه بیمه (بهره‌برداران و مراتع) و وضعیت دامداری و تولیدات دامی اختلاف معنی‌دار وجود ندارد. عدم وجود اختلاف معنی‌دار را می‌توان همگرایی دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان از نظر این مؤلفه‌ها تفسیر کرد (شکل ۵). بالاین‌حال در بررسی جزئی‌تر با توجه به نمودار در شکل ۵ واگرایی دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان را می‌توان به عدم شناخت کافی، میزان دارایی بهره‌برداران و نیز خدماتی که صندوق‌ها به جوامع روستایی پرداخت می‌کنند، نسبت داد و همچنین علت این تناقض را به دلیل عدم آشنایی بعضی متصدیان از درآمدهای دیگر (غیر از دامداری و کشاورزی) بهره‌برداران منابع طبیعی دانست. با توجه به سهم کم نقش معیارهای صندوق‌ها و بانک‌ها و عدم استفاده از تسهیلات نقدی و غیر نقدی توسط بهره‌برداران، پیشنهاد می‌شود تمهیدات لازم توسط دستگاه‌های ذی‌ربط طراحی تا بهره‌برداران بتوانند از تسهیلات استفاده نموده و درنهایت به معیشت و تحقق اهداف در حوزه منابع طبیعی کمک گردد.

آنالیز کروسکال والیس نشان داد اختلاف معنی‌دار بین معیارهای سرمایه فیزیکی برای هر دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان وجود دارد. از میان معیارهای مورد بررسی بالاترین بار اهمیت از نظر بهره‌برداران و کارشناسان به معیارهای زیرساخت برق‌رسانی در منطقه می‌باشد. علاوه براین، کمترین میانگین رتبه‌ای از نظر بهره‌برداران و کارشناسان مربوط به معیارهای زیرساخت جاده و خدمات حمل‌ونقل عمومی، زیرساخت‌های بهداشت عمومی و لوله‌کشی آب و شبکه فاضلاب می‌باشد (جدول ۹ و ۱۰).

با توجه به آنالیزهای انجام‌شده می‌توان استنباط کرد تضاد بین عملکرد زیرساخت‌ها مشهود می‌باشد از لحاظ فاصله تا مرکز شهرستان برای همه ارگان‌های متولی اجرا و خدمات زیرساخت‌ها یکسان می‌باشد و بهره‌برداران عدم رضایت خود از این زیرساخت‌ها (لوله‌کشی و انتقال آب، شبکه تلویزیون و امواج رادیویی) را بر اساس تحلیل‌های به‌دست‌آمده اعلام نمودند که نظر کارشناسان نیز صحت بر این موضوع می‌گذارد. نیاز به بررسی بیشتر برای شناسایی چگونگی این تضادها در مطالعات آتی ضروری است.

نتایج آنالیز من‌ویتنی در زمینه سرمایه فیزیکی برای مقایسه دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان نشان داد در زمینه سرمایه فیزیکی، از نظر مؤلفه‌های دسترسی به سوخت‌های فسیلی، زیرساخت‌های بهداشت عمومی و میزان رضایت‌مندی روستائیان از برق‌رسانی اختلاف معنی‌دار دارند.

که بیانگر واگرایی دیدگاه گروه‌های هدف می‌باشد. مؤلفه‌های جاده و خدمات حمل‌ونقل عمومی، لوله‌کشی آب و شبکه فاضلاب، وضعیت تلفن همراه (آنتن دهی) و تصاویر تلویزیون و امواج رادیویی، اختلاف معنی‌دار وجود ندارد. عدم وجود اختلاف معنی‌دار را می‌توان همگرایی دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان از نظر این مؤلفه‌ها تفسیر کرد. باین‌حال در بررسی جزئی‌تر با توجه به نمودار شکل ۶ واگرایی دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان را می‌توان به عدم تجربه زندگی اکثر کارشناسان از محیط زندگی جوامع محلی و بهره‌برداران تفسیر کرد و همچنین یک سؤال پیش می‌آید که آیا این زیرساخت‌ها نیاز اساسی بهره‌برداران را برآورده می‌سازد یا نه؟ که با قاطعیت می‌توان گفت زیرساخت‌ها از کیفیت خیلی ضعیفی در جوامع محلی برخوردارند. در بعضی معیارها به‌ندرت بهره‌برداران میزان رضایت خود را اعلام کردند. درکل این تضادها نامیدی در تأمین معیشت در بین جوامع محلی ایجاد کرده و می‌تواند باعث تخریب منابع طبیعی گردد و همگرایی دیدگاه‌های آنان را به دید واقعی از هم و رابطه و تفاهم فکری مرتبط دانست. عیسی‌زهی و شریف‌زاده (۱۴۰۰)، بادکو و همکاران (۱۳۹۹) و فانگ و های‌یانگ (۲۰۱۰)، نیز در نتایج تحقیقات خود بر اثرگذاری سرمایه فیزیکی بر معیشت تأکید داشتند و دوری و نزدیکی به مرکز را در این زمینه تأثیرگذار دانستند.

نکته مهمی که در این مطالعه باید به آن توجه خاص داشت توجه به توسعه زیر ساخت‌های اطلاع‌رسانی می‌باشد که نقش مهمی در بهبود وضعیت معیشت پایدار جوامع محلی دارد. مطالعات نشان می‌دهند که هر چه دسترسی خانوارها به اطلاعات به موقع و فراوان باشد، خانوار مزایا و ظرفیت بیشتری برای ارتقا یا تغییر معیشت فعلی و آینده خود دارد (Hou et al, 2021, 2020). علاوه براین، مطالعات نشان می‌دهند که نابرابری در دارایی‌های معیشتی و کسب فرصت‌های معیشتی بهتر و حفظ منابع طبیعی، بیشتر به فاصله جوامع محلی تا مراکز بازار بستگی دارد. به این معنا که هر چه فاصله با مراکز بازار کمتر باشد افراد از معیشت پایدارتری برخوردار می‌باشند (Paudel et al, 2017). ارتباط بین جامعه و بازار بر دسترسی افراد به فناوری، فرصت‌های شغلی و اطلاعات تأثیر می‌گذارد (Van de Walle, 2002). در نهایت، توجه به این عوامل سبب می‌گردد سیاست‌گذاری‌ها در راستای استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از آن عملکرد بهتری داشته باشد. به طور کلی این مطالعه نشان داد برای حفظ و ایجاد یک معیشت پایدار به میزان مشخصی از هر کدام از سرمایه‌های معیشت نیاز است. فقدان هر کدام از سرمایه‌های معیشتی می‌تواند جوامع محلی را از دنبال کردن یک معیشت پایدار با رویکرد حفظ منابع طبیعی دور کند (Bebbington, 1999). جوامع محلی با توجه به میزان دارایی‌ها، عوامل زمینه‌ای و شوک‌ها، راهبردهای معیشتی خود را در طول زمان برای تقویت امنیت مالی و ثروت موجود خود یا کاهش آسیب‌پذیری و فقر تغییر می‌دهند (Wu et al. 2017).

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر تأثیر سرمایه (دارایی‌های معیشتی و سیاست‌های اتخاذ شده جهت حفاظت از منابع طبیعی و فعالیت‌های معیشتی را برجسته می‌کند. دارایی‌های معیشتی تأثیرات متفاوتی بر راهبردهای معیشت فعلی خانوارها و برنامه‌های معیشتی آتی دارند. بنابراین بقا و یا بهبود زندگی مردم ساکن در حاشیه جنگل‌ها و مراتع، تنها با تکیه بر یک شیوه و راهبرد معیشتی امکان‌پذیر نیست، بلکه داشتن طیف گسترده‌ای از راهبردهای معیشتی نیز لازم است که می‌توان بسط و توسعه و ترویج داده شوند (مشیری و همکاران، ۱۳۸۳). از این رو، سرمایه (دارایی‌های معیشتی می‌توانند به ابزاری برای درک مقررات استفاده از منابع طبیعی در مقیاس خرد تبدیل شوند. برای مداخله‌های معیشتی چند بعدی باید براساس افزایش دارایی‌های موجود معیشتی، بهینه‌سازی راهبردهای معیشتی، بهبود محیط معیشتی به عنوان حامل، ترکیب سرمایه‌های معیشتی، بهبود محیط زیست و تحول این راهبردها برای نمایش بازخورد روابط چندگانه بین دارایی‌های معیشت در راستای افزایش پایداری معیشت و تحقق اهداف حفاظت از منابع طبیعی، هدایت و بهینه‌سازی شوند. با این حال، توسعه پایدار اقتصاد، جامعه و محیط زیست متکی به سیاست‌هایی است که توسط دولت‌ها و آژانس‌های توسعه بین‌المللی برای حفاظت از منابع طبیعی و بهبود معیشت مردم محلی اتخاذ می‌شود. بنابراین، از طریق سرمایه‌گذاری متفاوت در دارایی‌های معیشتی جوامع محلی، اقدامات لازم جهت رسیدن به معیشت پایدار با حفظ رویکرد حفاظت از منابع طبیعی صورت می‌پذیرد.

سرمایه‌های طبیعی یکی از عوامل ضروری تولید می‌باشند که به همراه نیروی کار، سرمایه‌های مالی و سایر عوامل تولید را تقویت می‌کنند و به دنبال آن تأمین معیشت جوامع محلی محقق می‌گردد. با توجه به نظرات کارشناسان و بهره‌برداران شهرستان فریدون‌شهر از نظر تولید گیاهان دارویی و صنعتی پتانسیل بالایی دارد. بنابراین سیاست‌گذاران و مدیران منطقه می‌توانند شرایطی مناسب از نظر زیر ساختی و مالی و آموزشی ایجاد نمایند که از این پتانسیل در راستای بهبود معیشت مردم و حفظ منابع طبیعی استفاده‌شود. براساس یافته‌های مطالعه حاضر، شهرستان فریدون‌شهر از نظر معیشت به سرمایه‌های طبیعی و انسانی بیشترین وابستگی را دارد. همین امر باعث می‌گردد که معیشت افراد منطقه در برابر

شوکه‌های مخرب (آتش‌سوزی، سرما و یخبندان و...) آسیب‌پذیر و وابسته باشند. مطالعات در زمینه ارتباط سرمایه‌های معیشت نشان داده است سرمایه‌های فیزیکی عوامل کلیدی مؤثر بر تمایز الگوهای معیشتی و سرمایه‌های طبیعی اساس الگوهای معیشتی می‌باشند (Wu et al, 2017). بنابراین با حفظ سرمایه‌های طبیعی و تقویت سرمایه‌های فیزیکی به عنوان شبکه‌های ایمنی برای حفظ معیشت پایدار جوامع محلی و مقاومت در برابر شوکه‌های مخرب عمل کرد. این امر برای جوامع محلی دور افتاده‌تر که به شدت به خدمات ارایه شده توسط اکوسیستم‌های طبیعی متکی هستند، بیشتر مصداق پیدا می‌کند (Godoy et al, 1998). به‌طور کلی سرمایه طبیعی و سرمایه انسانی بالاترین بار اهمیت بین سرمایه‌های معیشت را به خود اختصاص دادند که بیانگر اهمیت ویژه این سرمایه‌ها می‌باشند.

با توجه به نتایج این مطالعه سرمایه‌های مالی در شهرستان فریدون‌شهر چندان توسعه نیافته است که این امر سبب می‌گردد دسترسی به اعتبارات مالی و غیر مالی به سختی انجام پذیرد. سرمایه‌های مالی در منطقه مورد مطالعه ضعیف و ناپایدار هستند. این امر نشان می‌دهد که میزان دریافت افراد منطقه از تسهیلات نقدی و غیرنقدی پایین است و یا به دلیل نبود نیروی‌های توانمند، از منابع مالی و سرمایه‌ای اتوزیع شده در منطقه درست و بهینه استفاده نشده است. با توجه به وابستگی زیاد سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی و مالی در شهرستان فریدون‌شهر، ضعف سرمایه‌های مالی مانع عمده‌ای در تحقق معیشت پایدار در این منطقه می‌باشد. همچنین یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی از نظر اهمیت در مراتب بعدی قرار دارد که به دلیل عملکرد ضعیف انجمن‌ها، سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی محلی، جوامع محلی به آن‌ها اعتماد ندارند و با آن‌ها ارتباط چندانی ایجاد نمی‌کنند. همین امر موجب می‌شود روابط اجتماعی در جوامع محلی محدود و اطلاعات کافی برای توسعه معیشت خود و دستیابی به ثبات نداشته‌باشند. این تحقیق پیشنهاد می‌کند مطالعات آینده بر سایر مولفه‌های مؤثر بر معیشت تاکید شود و پژوهش‌هایی در زمینه عوامل اثرگذار از جمله سیاست‌ها، نهادها و فرایندها و زمینه‌های آسیب‌پذیری صورت گیرد. علاوه بر این، بر راهبردهای معیشتی و تنوع‌بخشی به معیشت در منطقه مورد مطالعه قرار گیرد. از دیگر پیشنهادات پژوهشی، استفاده از سایر تکنیک‌ها و ابزارها برای تجزیه و تحلیل معیشت است که می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

منابع

- ابراهیمی، عطاله؛ خدروی غریب‌وند، حجت‌اله و خاکپور، هومان. (۱۳۹۸). ارزیابی نگرش جوامع محلی در زمینه تخریب جنگل‌ها و مراتع در استان چهارمحال و بختیاری. دومین همایش ملی منابع طبیعی و توسعه پایدار در زاگرس.
- ابراهیمی، صابر. (۱۳۹۲). توسعه گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار. اولین همایش ملی مدیریت گردشگری، طبیعت‌گردی و جغرافیا. همدان.
- بادکو، بهروز؛ قاسمی سیانی، محمد؛ رنجبرکی، علی؛ شام بیانی، محمد حامد و شکبیا، احمد. (۱۳۹۹). سنجش سرمایه‌های معیشتی روستاهای مناطق کوهستانی با رویکرد معیشت پایدار (مورد مطالعه: دهستان کوه شاه، بخش احمدی - هرمزگان). مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی. ۱(۳)، ۵۳-۶۵.
- بذرافشان، جواد؛ طولایی‌نژاد، مهرشاد و حملی، نجمه. (۱۳۹۷). بررسی عوامل و محرک‌های تغییر الگوی معیشت روستاهای مناطق مرزی (مورد مطالعه: دهستان مینان، شهرستان سرباز). نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. ۱۸(۴۹)، ۱۲۷-۱۵۰.
- بریمانی، فرامرز؛ تبریزی، نازنین و کریمی رستگار، منصوره. (۱۳۹۵). اثرات زیست‌محیطی تغییر کاربری اراضی ناشی از فعالیت‌های گردشگری (مطالعه موردی: نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان تنکابن). فصلنامه جغرافیا. ۱۴(۴۹)، ۵-۲۰.
- سجاسی قیداری، حمدالله؛ صادق‌لو، طاهره و شکوری، فردا. (۱۳۹۵). سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان تایباد). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی. ۱(۱۳)، ۱۹۷-۲۱۶.
- شریفی، زینب؛ نوری‌پور، مهدی و کرمی دهکردی، اسماعیل. (۱۳۹۶). بررسی وضعیت سرمایه‌های معیشت و پایداری آن‌ها در خانوارهای روستایی (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان دنا). علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. ۱۳(۲)، ۵۱-۷۰.
- عیسی‌زهی، علی و شریف‌زاده، مریم. (۱۴۰۰). تحلیل وضعیت سرمایه‌های معیشت پایدار روستایی در شهرستان سراوان. اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۱۰(۳۶)، ۷۹-۹۸.
- غزالی، سمانه و زیبایی، منصور. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر انتخاب راهبردهای معیشتی توسط خانوارهای عشایری استان فارس. اقتصاد کشاورزی. ۱۱(۴)، ۸۰-۶۳.
- قدیری معصوم، مجتبی؛ رضوانی، محمدرضا؛ جمعه‌پور، محمود و باغیانی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). سطح‌بندی سرمایه‌های معیشتی در روستاهای گردشگری کوهستانی مورد: دهستان بالا طالقان در شهرستان طالقان. اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۴(۲)، ۱-۱۸.
- کریمی، کبری و کرمی دهکردی، اسماعیل. (۱۳۹۴). ارزیابی تأثیر طرح‌های مرتع‌داری بر ستاده‌های معیشت خانوارهای بهره‌بردار روستایی (مورد مطالعه: شهرستان ماهشهر). تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران. ۴۶(۴)، ۷۹۳-۸۰۵.

مشیری، سید رحیم؛ مهدوی حاجیلویی، مسعود و آمار، تیمور. (۱۳۸۳). ضرورت تحول در کارکرد اقتصادی نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش خورگام شهرستان رودبار). پژوهش‌های جغرافیایی. دوره ۳۶ (۵۰)، ۱۴۳-۱۵۹.

- Angelsen, A., & Wunder, S. (2003). Exploring the forest-poverty link. *CIFOR occasional paper*, 40, 1-20.
- Bebbington, A. (1999). Capitals and capabilities: a framework for analyzing peasant viability, rural livelihoods and poverty. *World development*, 27(12), 2021-2044.
- Chambers, R., & Conway, G. (1992). Sustainable rural livelihoods: practical concepts for the 21st century. *Institute of Development Studies* (UK).
- Godoy, R., Jacobson, M., & Wilkie, D. (1998). Strategies of rain-forest dwellers against misfortunes: the Tsimane'Indians of Bolivia. *Ethnology*, 55-69.
- Hou, C., Fu, H., Liu, X., & Wen, Y. (2020). The effect of recycled water information disclosure on public acceptance of recycled water—Evidence from residents of Xi'an, China. *Sustainable Cities and Society*, 61, 102351.
- Hou, C., Wen, Y., Liu, X., & Dong, M. (2021). Impacts of regional water shortage information disclosure on public acceptance of recycled water—evidences from China's urban residents. *Journal of Cleaner Production*, 278, 123965.
- Khedrigharibvand, H. K., Azadi, H., & Witlox, F. (2015). Exploring appropriate livelihood alternatives for sustainable rangeland management. *The Rangeland Journal*, 37(4), 345-356.
- Khedrigharibvand, H., Azadi, H., Bahrami, H., Tesfamariam, Z., Bazzazi, A. A., De Maeyer, P., & Witlox, F. (2018). Sustainable rangeland management in southwest Iran: application of the AHP-TOPSIS approach in ranking livelihood alternatives. *The Rangeland Journal*, 40(6), 603-614.
- Li, Y. H., Song, C. Y., Yan, J. Y., & Liu, Y. S. (2019). The spatial-temporal difference of peasants' livelihood response and enlightenments to rural revitalization strategy. *Geogr. Res.*, 38(11), 2595-2605.
- Liu, Y. S. (2020). Modern human-earth relationship and human-earth system science. *Sci. Geogr. Sin*, 40, 1221-1234.
- NZAID. (2002). Policy statement. New Zealand: New Zealand Agency for International Development.
- Paudel Khatiwada, S., Deng, W., Paudel, B., Khatiwada, J. R., Zhang, J., & Su, Y. (2017). Household livelihood strategies and implication for poverty reduction in rural areas of central Nepal. *Sustainability*, 9(4), 612.
- Pour, M. D., Barati, A. A., Azadi, H., & Scheffran, J. (2018). Revealing the role of livelihood assets in livelihood strategies: Towards enhancing conservation and livelihood development in the Hara Biosphere Reserve, Iran. *Ecological Indicators*, 94, 336-347.
- Van de Walle, D. (2002). Choosing rural road investments to help reduce poverty. *World development*, 30(4), 575-589.
- Wu, Z., Li, B., & Hou, Y. (2017). Adaptive choice of livelihood patterns in rural households in a farm-pastoral zone: A case study in Jungar, Inner Mongolia. *Land Use Policy*, 62, 361-375.

How to Cite:

Asadi, Alireza, Ismail, Asadi, Khedri Gharibvand, Hojjatollah and Nabizadeh, Sina. (2022). Assessing the attitude of experts and rangeland users in the context of livelihood capital in the city of Feraidunshahr. *Studies of Nomads Area Plannig*, 2(1), 65-82.

ارجاع به این مقاله:

اسدی، علیرضا، اسدی، اسماعیل، خدری‌غریبوند، حجت‌اله و نبی‌زاده، سینا. (۱۴۰۱). سنجش نگرش کارشناسان و بهره‌برداران مرتعی در زمینه سرمایه‌های معیشت در شهرستان فریدونشهر. *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۲(۱)، ۶۵-۸۲.

Research Article

Assessing the attitude of experts and rangeland users in the context of livelihood capital in the city of Feraidunshahr

Alireza Asadi- Graduated Master in Department of Natural Engineering, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Ismail Asadi- Associate Professor, Department of Natural Engineering, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Hojjatollah Khedri Gharibvand * - Assistant Professor, Department of Natural Engineering, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Sina Nabizadeh - PhD student Department of Natural Engineering, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Receive Date: 09 April 2022

Accept Date: 27 June 2022

ABSTRACT

Introduction Livelihood is recognized as a center for sustainable rangeland management. Thus, in order to achieve sustainable rangeland management attention to livelihood is crucial. In this regard, Natural Resources and Watershed Management Organization of Iran in order to deal with the challenges and problems of natural resource management and improved livelihoods of rangeland users has approved and implemented protection, conservation, development, rehabilitation and rehabilitation projects.

Purpose of the research: Plant diversity in rangelands and, consequently, the abundance of animal species can provide diverse service and functional potentials and values. Due to climate conditions and utilization techniques of arid and semi-arid rangelands, this species has become especially important issue.

Methodology This research methodologically is descriptive-analytical-survey. The statistical population was informed experts of the General Department of Natural Resources of Isfahan province and Feraidunshahr city and rangeland users of Feraidunshahr city. In this study, non-probability method and purposeful sampling of experienced experts of the organization, experts and key local informants were used. Based on the main aim of research, the structured questionnaire of livelihood capital was developed. Questionnaire data scale based on the Likert scale were collected quantitatively, entered into Excel, and then analyzed by SPSS software. The validity of the questionnaire was confirmed by the panel of experts and the reliability of the questionnaire was confirmed by Cronbach's test.

Geographical area of research The statistical population was informed experts of the General Department of Natural Resources of Isfahan province and Feraidunshahr city and rangeland users of Feraidunshahr city.

Results and discussion Kruskal-Wallis post hoc analysis showed that there is a significant difference between the criteria of livelihood capital for both groups of rangeland users and experts. In addition, Mann-Whitney analysis showed that there is a significant difference between the perspectives of users and experts. The study discussed the divergence and convergence of the views of the target groups

Conclusion In general, natural and human capital has the highest importance among livelihood capital, which indicates its special importance of in future planning and policy-making for sustainable rangeland management.

KEYWORDS: Rangeland, Conservation plans, Livelihood investments, Sustainable livelihood, Fereydunshahr.